

شناسایی ریسک‌های عام در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری

پذیرش: ۹۷/۷/۲۹

دریافت: ۹۷/۲/۸

عباس برزویی

استادیار حقوق خصوصی - گروه حقوق - دانشکده الهیات و معارف اسلامی - دانشگاه حکیم سبزواری

abbas5748@yahoo.com

ریسک‌ها افزایش می‌یابد. این ریسک‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی به ریسک‌های عام و ریسک‌های ویژه (خاص) پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری تقسیم می‌شود؛ زیرا برخی از ریسک‌ها، در همه قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری یکسان است (ریسک‌های عام)، ولی برخی دیگر از یک پروژه به پروژه دیگر متفاوت است (ریسک‌های خاص). این نوشتار به بررسی ریسک‌های عام در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری می‌پردازد.

مقدمه

توسعه پروژه‌های زیربنایی عمومی و یا زیرساخت‌ها، یکی از ملاک‌های مهم توسعه‌یافتگی یک کشور به شمار می‌آید که نیازمند منابع مالی بالایی است [۲]. امروزه برخلاف گذشته که رابطه دولت با مجری طرح یا سازنده در قالب رابطه کارفرما و پیمانکار تحلیل می‌شد، به دلیل بالا بودن هزینه پروژه‌های

تامین مالی / سرمایه‌گذاری خارجی / ساخت، بهره‌برداری و واگذاری / ریسک

چکیده

پروژه‌های زیربنایی نقش عمده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور دارد و از آنجایی که دولت‌ها به علت هزینه بالای این پروژه‌ها و نیز گاهی به دلیل کسری بودجه سالانه، توانایی تأمین مالی این پروژه‌ها را ندارند یا بنا به دلایلی دیگر، به سراغ جذب سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی و خارجی می‌روند. استفاده از شیوه ساخت، بهره‌برداری و واگذاری [۱] یکی از شیوه‌های تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی توسط بخش خصوصی است که قانون‌گذار در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذار خارجی از جمله ترتیبات قراردادی می‌داند. در این شیوه تأمین مالی به دلیل تعدد اطراف قرارداد و نیز تنوع قراردادهای ویژه در صورتی که طرف‌های قرارداد از کشورهای مختلف بوده، خطرات و

زیربنایی، کسری بودجه عمومی و یا کمبود ارز در دسترس دولت یا منابع مالی و ناتوانی دولت از تامین مالی پروژه‌ها، دولت و بخش دولتی به جذب منابع مالی و سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی یا خارجی روی آورده اند. [۳]

قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری از جمله شیوه‌های تأمین مالی است که دولت یا شرکت دولتی با انعقاد یک قرارداد، امتیاز حق احداث، بهره‌برداری و مدیریت یک پروژه را به بخش خصوصی (داخلی یا خارجی) واگذار می‌کند. در مقابل، بخش خصوصی نیز موظف می‌گردد تا با تأمین سرمایه مالی لازم برای طراحی، مدیریت، ساخت تأسیسات، پروژه را در مدت معین بسازد و با بهره‌برداری از پروژه در مدت معین، سرمایه و سود آن را مستهلک سازد، سپس پروژه را در پایان مدت قرارداد یا اتمام دوره امتیاز بهره‌برداری به دولت یا شرکت دولتی اعطاکننده پروژه واگذار کند. [۴]

گرچه در همه پروژه‌های زیربنایی ریسک وجود دارد و ریسک از پروژه جدایی ناپذیر است، ولی در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری ریسک افزایش می‌یابد؛ زیرا پیمانکاران مختلف از کشورهای متفاوت ابتدا قرارداد مشارکت منعقد و گام اول تشکیل یک کنسرسیوم را بر می‌دارند. بنابراین با توجه به تعدد اطراف قرارداد و نیز تنوع قراردادهای، نیز به دلیل بالا بودن هزینه‌ها و مخارج، زمان‌بر بودن تحویل پروژه و اتکای وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران به بازگشت سرمایه و سود از محل جریان سهم نقدی پروژه ریسک و خطرات پروژه نیز افزایش می‌یابد؛ [۵، ۶] از این رو از پروژه‌های موضوع قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری به عنوان پروژه‌های مخاطرآمیز یاد می‌شود. البته باید توجه داشت که دولت‌ها در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری به دنبال انتقال عمده خطرات از بخش دولتی و عمومی به بخش خصوصی هستند و در عمل نیز خطرات و ریسک‌ها به بخش خصوصی منتقل می‌گردد [۶]. پس موضوع اساسی در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری، شناسایی ریسک‌های پروژه است و همه پیمانکاران پیش از شروع پروژه تمایل دارند که ریسک‌های مرتبط با پروژه شناسایی گردد [۶] و با برنامه‌ریزی و مدیریت ریسک‌ها،

احتمال وقوع و آثار منفی آن به حداقل برسد [۷]. از این رو شناسایی ریسک‌های احتمالی ناشی از مراحل مختلف اجرای قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری و کلیه خطراتی که به طور بالقوه قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری و شرکت پروژه را تهدید می‌کند با بررسی دقیق و با به کارگیری تجربیات به دست آمده از مطالعه اجرای پروژه‌های مختلف در جهان صورت می‌گیرد [۸، ۹]. تا مدیریت ریسک نیز به درستی انجام شود [۷]؛ زیرا شناسایی ریسک‌ها پیش مقدمه مدیریت ریسک‌ها و مهمترین مرحله آن است. مدیریت ریسک شامل پذیرش ریسک، کاهش ریسک، تخصیص و تسهیم ریسک بین طرف‌های قرارداد، انتقال ریسک و اجتناب از ریسک می‌شود که خارج از بحث حاضر است. افزون بر این، مقاله کنونی صرفاً به دنبال شناسایی و شمارش ریسک‌های عام است که متوجه همه پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری می‌گردد و به ریسک‌های خاص پروژه نمی‌پردازد.

۱. تعریف ریسک (خطر)

به‌طور کلی ریسک در معانی متعددی به کار رفته است از جمله «شانس (احتمال) زیان»، «امکان زیان»، «عدم اطمینان»، «اختلاف بین نتایج واقعی و نتایج موردانتظار». «احتمال وقوع هر نتیجه‌ای غیر از آنچه که انتظارش را داریم» [۱۰]. «احتمال وقوع حادثه همراه با نتایج آن» [۱۱]. «کمبود پیش‌بینی‌های ساختار، خروجی یا نتایج برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری»، «مواجهه با وضعیت‌ها و نتایج متفاوت که احتمال وقوع هر وضعیت قابل تخمین و پیش‌بینی بوده و می‌تواند دارای آثار مثبت یا منفی باشد» [۷].

هر چند برخی معتقدند ریسک (خطر) یک مفهوم انتزاعی است که تعریف آن مشکل و در خیلی از موارد اندازه‌گیری آن غیرممکن است [۱۲]. با این همه در یک تعریف «ریسک پدیده‌ای غیرقطعی یا شرایطی است که در صورت تحقق، اثر مثبت یا منفی بر اهداف پروژه می‌گذارد» [۹] و یا ریسک عبارت است از: احتمال سود یا زیان‌های مالی و اقتصادی، آسیب‌ها و ضررهای فیزیکی یا تأخیرهای ناشی از عدم اطمینان به انجام

یک عمل خاص [۱۳]. پس، ریسک هنگامی به کار می‌رود که بتوان احتمال وقوع یک پدیده را ارزیابی کرد و ریسک متضمن دو مفهوم «آینده و شک» است و اگر حادثه‌ای مربوط به آینده نباشد و یا وقوع آن مشکوک نباشد، ریسک به شمار نمی‌آید. [۷] در خصوص ریسک پروژه نیز تعاریف متعددی ارائه گردیده است؛ در یک تعریف ریسک پروژه عبارت است از: قرار گرفتن در معرض خسارت اقتصادی احتمالی یا سود ناشی از مشارکت در فرایند ساخت [۱۴] یا در تعریف دیگری از ریسک آمده است: «حضور محدودیت‌های بالقوه یا بالفعل که در مسیر اجرای پروژه ظاهر می‌گردد و در حین ساخت، نصب و یا زمان بهره‌برداری پروژه باعث اختلال نسبی یا کامل می‌شود یا قرار گرفتن در معرض احتمال وقوع حوادثی که به طور مطلوب یا نامطلوب اهداف پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد». [۱۵]

در مجموع می‌توان در تعریف خطر و ریسک پروژه گفت: ریسک و خطر، یعنی احتمال وقوع یک حادثه و پیامدهای ناشی از آن به نحوی که حادثه مورد نظر که باید در چارچوب پروژه مورد بررسی قرار گیرد، معمولاً تأثیر منفی بر پروژه خواهد گذاشت. به عنوان مثال باعث افزایش هزینه، تأخیر در تکمیل پروژه، کاهش عملکرد و غیرعملی شدن پروژه و... می‌گردد [۱۶]. پس، ریسک و خطر پروژه به شرايطی اشاره دارد که طبق ارزیابی پروژه و طرح‌های قرارداد، ممکن است تأثیر منفی بر سود پیش‌بینی شده پروژه داشته باشد [۱۷] مانند تخریب فیزیکی تأسیسات پروژه توسط بلایای طبیعی، در حالی که اگر این ریسک‌ها مدیریت شود می‌تواند تأثیر مثبت بر پروژه داشته باشد [۱۸، ۱۹].

۲. انواع ریسک

ریسک‌های موجود در پروژه از جهات مختلفی تقسیم گردیده است به گونه‌ای که برخی تعداد آن را دوازده مورد دانسته‌اند؛ پارک، دوازده خطر اصلی را فهرست کرده است که اطراف قرارداد اغلب با آنها روبرو هستند. این دوازده ریسک عبارت است از: آب و هوا؛ شرایط کاری غیرقابل پیش‌بینی؛ مشکلات پرسنل؛ اشتباهات در پیش‌جدول زمانی؛ وقفه‌ها؛ مشکلات مالی؛ اعتصابات؛ امکانات اولیه ناقص؛ نقض در کیفیت ساخت؛

مشکلات عملیاتی؛ طرح‌ها و دستورالعمل‌های نامناسب؛ فجایع. [۱۹] بنابراین تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از ریسک‌های قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری وجود دارد که تنها به برخی از آن اشاره می‌شود:

الف) تقسیم ریسک‌ها از نظر مراحل پروژه: ریسک‌ها به لحاظ مراحل اجرای پروژه به ریسک‌های مراحل توسعه، ساخت و بهره‌برداری تقسیم می‌گردد. ریسک‌های مراحل توسعه، شامل ریسک‌های فناوری، اعتبار و ریسک‌های مربوط به مناقصه می‌شود و ریسک‌های مرحله ساخت، ریسک‌های تکمیل، اضافه هزینه‌ها، اجرا و سیاسی را در بر می‌گیرد و بالاخره، ریسک‌های مرحله بهره‌برداری شامل ریسک اجرا، اضافه هزینه، وام و بدهی، خرید محصول و... می‌گردد [۱۶]. برخی ریسک‌ها را از حیث مراحل به مراحل امکان‌سنجی، طراحی و برنامه‌ریزی اجراء و راه‌اندازی تقسیم کرده‌اند [۶]. پروفیسور تیونک و همکارانش از جمله صاحب نظران برجسته، در خصوص پروژه‌های BOT، خطرات پروژه‌های BOT را به پنج مرحله تقسیم می‌کنند که عبارت است از: خطر پیش از سرمایه‌گذاری، خطر اجراء، خطر ساخت، خطر بهره‌برداری، خطر انتقال و واگذاری [۲۰].

ب) تقسیم ریسک‌ها از نظر منابع ریسک: ریسک‌ها از این جهت به ریسک‌های نظارتی، سیاسی، فورس ماژور، فیزیکی، مالی، درآمدی، ساخت، تحلیل، راه‌اندازی و مراحل اولیه تقسیم می‌شوند.

ج) تقسیم ریسک‌ها از نظر پیامد حوادث نامشخص: ریسک‌ها از نظر پیامد حوادث نامشخص به ریسک‌های محض و غیرمحض (قماری و شرطی) تقسیم می‌گردند؛ ریسک‌های محض. ریسک‌هایی هستند که وقوع و بروز آنها موجب ضررهای غیرقابل جبران می‌گردد، اما تغییری در موقعیت فرد یا سازمان که در معرض ریسک قرار دارد، ایجاد نمی‌کند. بر عکس ریسک‌های غیر محض (قماری و شرطی)، ریسک‌هایی هستند که نتیجه آن یکی از دو حالت ضرر و یا منفعت است. اکثر

ریسک‌های محض را می‌توان بیمه کرد اما ریسک‌های غیرمحض معمولاً غیرقابل بیمه شدن هستند [۹].

د) تقسیم ریسک‌ها به ریسک‌های عام و خاص: در راهنمای یونیدو [۲۲] ریسک‌ها به ریسک‌های عام و ریسک‌های خاص پروژه تقسیم گردیده است. ریسک‌های عام عبارت است از:

۱. ریسک‌های سیاسی مانند: ریسک‌های مربوط به حمایت سیاسی، ریسک‌های مربوط به وضع مالیات، ریسک‌های سلب مالکیت/ ملی کردن، ریسک‌های مربوط به خرید و تملک قهری، ابطال امتیاز بهره‌برداری، محدودیت‌های واردات/ صادرات، عدم کسب یا تمدید مجوزها.

۲. ریسک‌های تجاری کشور مانند: ریسک مربوط به تبدیل ارز کشور، ریسک تبادل ارز خارجی، ریسک تورم، ریسک کاهش ارز، ریسک نرخ بهره.

۳. ریسک‌های حقوقی کشور مانند: تغییر در قوانین و مقررات، ریسک اجرای قانون.

ریسک‌های خاص پروژه نیز به موارد زیر تقسیم می‌گردد:

۱. ریسک‌های توسعه که عبارتند از: ریسک مناقصه، ریسک تأخیر در برنامه‌ریزی، ریسک مربوط به تأیید، ریسک‌های معامله‌ای.

۲. ریسک‌های ساخت/ تکمیل که عبارتند از: ریسک تأخیر، ریسک افزایش هزینه، ریسک اجرای مجدد

۳. ریسک تکمیل که عبارتند از: ریسک‌های اضطراری، آسیب کاری، ریسک مربوط به بدهی‌ها.

۴. ریسک‌های مربوط به بهره‌برداری که عبارتند از:

ریسک‌های مربوط به زیربنا، ریسک‌های فنی، ریسک تقاضا (حجم و قیمت)، ریسک عرضه (حجم و قیمت)، ریسک تشدید قیمت‌ها، ریسک مدیریت، ریسک موارد اضطراری، آسیب به تأسیسات پروژه،

ریسک بدهی‌ها [۶]. این در حالی است که وودی و پوریان، تعدادی از ریسک‌های خاص مرتبط با تأمین بودجه پروژه را به پنج گروه تقسیم نموده

که عبارتند از: خطر هزینه شروع، خطر بهره‌برداری،

خطر فناوری، خطر بازار و خطر سیاسی. [۲۳]

افزون بر این دسته‌بندی‌ها، دسته‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد؛ در راهنمای آنستیرال، خطرات پروژه به خطرانی مانند فورس ماژور و رویدادهایی که خارج از کنترل طرف‌های قرارداد بوده و باعث قطع کار پروژه می‌گردد همچون بلایای طبیعی مانند سیل، طوفان یا زلزله و یا عواملی مانند جنگ، غارت و حمله‌های تروریستی و خطرات سیاسی (اختلال در پروژه در نتیجه اعمال و قوانین سوءدولت) و خطرات ساخت و بهره‌برداری (خطر تکمیل پروژه، خطر افزایش هزینه ساخت، خطر اجرا، خطر عملکرد، خطر افزایش هزینه بهره‌برداری) و خطرات تجاری و خطر نرخ تبدیل ارز و خطرات مالی و... اطلاق می‌گردد. [۲۴]

در کتاب انجمن بین‌المللی پیمانکاران اروپایی نیز ریسک‌ها به ریسک‌های عمومی اقتصادی و مالی، بازار، ساخت، بهره‌برداری و نگهداری و ریسک‌های محیطی تقسیم گردیده‌اند [۲۵] و در اثر دیگری که به طبقه‌بندی خطرات پرداخته شده به ریسک‌های سیاسی، ساخت، بهره‌برداری، مربوط به بازار و درآمد، اشاره گردیده است. [۲۶]

بررسی و مقایسه مطالعات و تقسیم‌بندی‌های فوق روشن می‌سازد که هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها بر یک بعد تأکید می‌کند و منافع یکی از عوامل پروژه را در نظر گرفته است، در نتیجه مدل ارائه شده، جامعیت لازم را نخواهد داشت. به طور مثال، در مدل ارائه شده توسط «یونیدو» سعی شده است از دیدگاه بخش خصوصی، ریسک‌هایی را که سرمایه‌گذار خصوصی در یک کشور خارجی با آن درگیر است مشخص ساخته و از دولت میزبان می‌خواهد که این ریسک‌ها را مدیریت کند، در حالی که در مقابل به نگرانی‌های دولت توجهی نشان نداده است و «ریسک‌های مشتری» مربوط به عدم «ارائه خدمات مناسب» از طرف بخش خصوصی در این تقسیم‌بندی دیده نمی‌شود. همچنین از مقایسه این طبقه‌بندی‌ها مشخص می‌گردد که تمرکز هر تقسیم‌بندی بر قسمت خاصی از روند پروژه بوده است و در نتیجه تمامی مراحل یک پروژه BOT دیده نشده است. به طور مثال یونیدو در گروه ریسک‌های پروژه، ریسک‌های مرحله

تأمین مالی و نیز فروش محصول پروژه را لحاظ نکرده است [۶]، در حالی که تیانگ و وانگ [۲۷]، این دو دسته ریسک را به درستی مشخص کرده‌اند، ولی تأثیر ریسک‌های اقتصادی را بر سرنوشت یک پروژه BOT مورد توجه قرار نداده‌اند [۸] و یا برخی نه تنها «ریسک‌های اقتصادی» بلکه «ریسک‌های قوانین» هم مورد بررسی قرار نگرفته و همه آنها را از جنس ریسک‌های سیاسی دانسته و در یک دسته آورده‌اند [۲۶]. در مقابل در کتاب سفید انجمن بین‌المللی پیمانکاران اروپایی، با آنکه ریسک‌های پراهمیت «قوانین» را حذف کرده است، ولی «ریسک تأثیرات زیست‌محیطی طرح» را که جزئی از ریسک‌های «اجراء» یا «بهره‌برداری» است به عنوان گروهی مجزا و هم رتبه دیگر گروه‌ها قرار داده است و طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی‌های دیگر نیز به نوبه خود از جامعیت لازم برخوردار نبوده است [۲۵].

علی‌رغم ایرادات وارد بر تقسیم‌بندی‌های ریسک‌های پروژه، تقسیم‌بندی «یونیدو» موارد بیشتری از ریسک‌های پروژه را در بر می‌گیرد. از این رو در ادامه تلاش می‌شود تا با محوریت این تقسیم و تکمیل آن، ایرادات احتمالی وارد بر آن رفع گردد و حتی الامکان تقسیم‌بندی جامعی از ریسک‌های پروژه ارائه شود. بر این اساس، از نظر این که بخش خصوصی (شرکت پروژه) توانایی کنترل خطرات را داشته یا نه و دولت باید آنها را مدیریت کند، ریسک‌ها به دو دسته اصلی، ریسک‌های عام (کلی یا کشوری) [۱۲] و ریسک‌های خاص یا مختص پروژه تقسیم می‌گردند که ریسک‌های کلی، ریسک‌هایی هستند که با محیط سیاسی، اقتصادی و حقوقی کشور میزبان و (سرمایه‌پذیر) مرتبط بوده و اسپانسرهای پروژه به‌طور کلی بر آن کنترل نداشته یا کنترل کمی دارند و از طرفی این خطرات در تمام اشکال سرمایه‌گذاری اعم از BOT و غیره کم و بیش وجود دارند [۲۸]، ولی ریسک‌های خاص یا مختص پروژه، ریسک‌هایی هستند که مختص و مربوط به پروژه BOT بوده و از طرفی تا حدودی به وسیله اسپانسرهای پروژه قابل کنترل می‌باشند.

۳. ریسک‌های عام

ریسک‌های عام به عواملی مانند رشد اقتصادی، محیط سیاسی و

سیستم حقوقی کشور میزبان بستگی دارد و بر درآمد و خدمات و محصولات پروژه تأثیر می‌گذارد. این دسته از ریسک‌ها به سه دسته مهم سیاسی، اقتصادی و حقوقی تقسیم می‌گردند که در ادامه بررسی می‌شود.

۳-۱. ریسک‌های سیاسی

منظور از ریسک سیاسی، ریسک مربوط به اقدامات دولت است که می‌تواند پروژه را به مخاطره بیندازد [۲۹]. این نوع ریسک‌ها با موقعیت سیاسی داخلی و خارجی و ثبات کشور میزبان، نگرش دولت نسبت به میزان سوددهی بخش خصوصی از پروژه‌های زیربنایی، تغییر در رژیم مالی کشور میزبان از جمله مالیات بندی، سلب مالکیت و ملی کردن مالکیت پروژه‌ها به وسیله‌ی کشور میزبان، ابطال امتیاز بهره‌برداری و عوامل مشابه مرتبط است [۶].

پس ریسک‌های سیاسی نشان دهنده توانایی یا خواست دولت میزبان برای جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در پروژه زیربنایی آن کشور است و عدم مدیریت صحیح این ریسک‌ها هر نوع سرمایه‌گذاری را منتفی خواهد کرد [۱۲]. به عبارت دیگر، ریسک‌های سیاسی به عنوان مانعی اساسی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه تلقی می‌گردد که علاوه بر سرمایه‌گذار به کشور میزبان نیز ضرر و خسارت وارد می‌کند بدین گونه که با کاهش دادن سرمایه‌گذاری، دستیابی به خدمات مهم را کم کرده و یا در صورت سرمایه‌گذاری باعث افزایش هزینه و در نتیجه گرانی خدمات می‌گردد و در یک نگاه، این ریسک‌ها به منزله تهدید جدی سوددهی پروژه به حساب می‌آید و به جای تأثیرپذیری از تغییرات شرایط اقتصادی، عمدتاً از جهت‌گیری‌های خاص دولت ناشی می‌گردد و در این جهت‌گیری‌ها، عوامل سیاسی پیش از تغییر در منابع دریافتی و تقاضای کالاها و خدمات موجب تغییر سوددهی می‌شوند [۳۰].

ریسک‌های سیاسی به دو گروه عمده کلان و خرد تقسیم می‌شوند؛ ریسک‌های سیاسی کلان عبارت است از: سلب مالکیت، بایکوت یا تحریم اقتصادی، زمینه‌های قانونی برای ملی کردن مالکیت، قوانین محدودکننده سرمایه‌گذاری خارجی در رشته‌های خاص. منظور از ریسک سیاسی خرد ریسک‌هایی

است که تنها در بخش‌های خاصی از اقتصاد و یا در ارتباط با شرکت‌های مشخص خارجی وجود دارد. این دسته از ریسک‌ها، مقررات ویژه برای برخی صنایع، وضع مالیات بر رشته‌های خاص از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، قوانین مربوط به بومی یا ملی کردن تولید را شامل می‌شود [۳۱].

ریسک‌های سیاسی در کتاب راهنمای آنسیترال، به سه دسته کلی ریسک‌های سیاسی سنتی؛ مانند: توقیف و ملی شدن سرمایه، سلب مالکیت؛ ریسک‌های نظارتی (مقررات) و ریسک‌های شبه تجاری تقسیم گردیده است [۱۷].

نکته قابل توجه در ریسک‌های سیاسی این است که این دسته از ریسک‌ها توسط پیمانکاران قابل کنترل نیست [۱۱] و از این رو پیمانکاران سعی می‌کنند تا حد امکان، بخش عظیمی از این خطر را از طریق قرارداد پروژه (قرارداد امتیاز) متوجه دولت یا شرکت دولتی اعطاءکننده پروژه (دولت سرمایه‌پذیر) نمایند. به دیگر سخن، دولت میزبان تنها طرف قراردادی است که توان کنترل خطر سیاسی و کاهش اثرات آن را دارد. با این حال، دولت میزبان ممکن است تمایل چندانی به قبول خطر سیاسی نداشته باشد و یا تنها بخشی و جوانبی از خطر سیاسی را تقبل نموده و بخشها و قسمت‌های دیگر آن را به شرکت پروژه محول نماید [۱۶].

به‌طور کلی ریسک‌های سیاسی متنوع است، ولی عمده‌ترین آن عبارت است از: مصادره و ملی شدن پروژه، خطر تغییر دولت و اوضاع سیاسی و تغییر در بودجه، خطر اختیار قانونی، خطر فساد مالی، خطر مربوط به تأخیر در اخذ مجوز یا تأیید آن، خطر فسخ و ابطال قرارداد به وسیله دولت و... [۲۹] که به بررسی چند مورد می‌پردازیم

۱- سلب مالکیت و ملی شدن: اصل حاکمیت انحصاری دولت‌ها بر منابع طبیعی خود، یک اصل اساسی در حقوق بین‌الملل است که از طرف سازمان متحد برای کشورها به رسمیت شناخته شده است. مطابق این اصل، دولت‌ها در قلمرو خود و در مالکیت منابع طبیعی خویش و طرق استفاده از آنها دارای حق مسلم بوده و در صورت لزوم حق دارند سرمایه‌های خارجیان در قلمرو خود را ملی نموده و یا از تصرف آنان خارج

نماید که این اختیار در اجرای بند ۲ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد و برابر قطعنامه‌های ۱۵۱۴، ۱۵۱۵ و ۱۸۰۳ مورخه ۱۹۶۲ برای دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است [۳۲]. در پروژه‌های BOT ممکن است کشور میزبان، دارایی و یا سرمایه یک بنگاه اقتصادی را به صورت دلخواه و بدون جبران معقول و عادلانه خسارت به شرکت پروژه و سرمایه‌گذار، آن را ملی اعلام و مصادره کند. گرچه در حال حاضر سلب مالکیت و ملی کردن و مصادره مستقیم سرمایه‌های داخلی و خارجی به شدت کاهش یافته است ولی وجود سوابق وسیع و گسترده در کشور میزبان می‌تواند عامل مهمی در عدم تمایل یا وسواس سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری محسوب شود.

در حال حاضر و به علت نیاز گسترده کشورها اعم از پیشرفته و در حال توسعه به جذب سرمایه‌های خارجی در پروژه‌های زیربنایی، کشورها با تصویب قوانین و حتی درج اصولی در قوانین اساسی خود متعهد به خودداری از سلب مالکیت از سرمایه‌گذاران خارجی برای مدت معینی گردیده و در صورت سلب مالکیت و ملی کردن، متعهد به جبران خسارت هستند [۳۳]. شرکت پروژه نیز در قبال این گونه ریسک‌ها با رعایت جوانب، تضمینات مقتضی را از دولت میزبان اخذ می‌کند. البته، می‌توان در قرارداد اصلی، محدودیت‌هایی برای اصل حاکمیت انحصاری کشور میزبان بر منابع طبیعی خود در نظر گرفت و حق مصادره دارایی پروژه از سوی کشور میزبان را محدود کرد. همچنین از تدابیری مانند: بیمه اموال و تأسیسات پروژه نیز جهت محافظت در مقابل خطر مصادره و سلب مالکیت استفاده کرد. برخی از صاحب نظران نیز پیشنهاد می‌کنند که مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در تأمین مالی پروژه می‌تواند فشار سیاسی بین‌المللی بر کشور میزبان وارد کند و این فشار سیاسی یک وسیله حمایتی و تضمین تلقی می‌گردد [۱۶].

۲- تأخیر در صدور مجوز: پس از انعقاد قرارداد BOT، شرکت پروژه جهت شروع و اجرای پروژه نیاز به اخذ مجوزهای مربوطه از ادارات و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت یا نهادهای متولی امر سرمایه‌گذاری نیاز دارد. در ایران، پس از توافق شرکت پروژه با دولت یا شرکت دولتی و انعقاد قرارداد BOT، مجوز سرمایه‌گذاری

توسط «هیأت سرمایه‌گذاری خارجی» به ریاست معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی به عنوان رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران و مرکب از معاون وزیر امور خارجه، معاون رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاون رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و حسب مورد، معاونین وزارتخانه‌های ذی‌ربط تصویب و با تایید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارائی صادر می‌گردد. (ماده ۶ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی) و ورود ماشین آلات و سرمایه نیز نیازمند مجوز هیأت سرمایه‌گذاری خارجی و اداره گمرک است [۳۴]. بنابراین، منظور از خطر مربوط به تأخیر در اخذ مجوز، این است که دولت یا سازمان دولتی یا مرجع صدور مجوز مربوطه، مجوزهای لازم را به موقع صادر ننموده یا تأیید نکند و یا حتی مجوزهای صادره را لغو کند [۲۹].

اخذ مجوز و تأییدیه‌های لازم که از آن می‌توان به بوروکراسی اداری نیز یاد کرد، یک فرایند بسیار زمان‌بر بوده و می‌تواند پروژه و کارآیی مالی پروژه BOT را به تأخیر بیندازد [۲۹] و به نوبه خود تبعات و آثار مخربی برای سرمایه‌گذار و شرکت پروژه به دنبال دارد از جمله این که تأخیر در تکمیل پروژه و بهره‌برداری می‌تواند موجب به تاخیر افتادن باز پرداخت اقساط وام‌های دریافتی از وام‌دهندگان گردد.

۳- فساد مالی: منظور از فساد مالی، استفاده از اهرم سیاسی، حقوقی یا نظارتی برای اخذ هزینه‌های اضافی است که شرکت پروژه، هرگز نمی‌تواند آنها را جبران کند و هیچ یک از شرکا یا اطراف قرارداد نیز مسئولیت پرداخت آن را بر عهده نمی‌گیرد به عنوان مثال ممکن است مقامات دولتی و وابسته به دولت، کمیسیون یا پاداش غیرقانونی مطالبه کنند یا از نفوذ غیرقانونی خود برای اخذی در ارتباط با اعطاء توافق پروژه به شرکت پروژه استفاده کنند. بسیاری از شرکت‌ها، در اجرای پروژه‌ها در کشورهای در حال توسعه، فساد مالی را یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که در نهایت خطر تعرض نماینده دولت به شرکت پروژه و پروژه را به دنبال دارد [۲۹].

۴- بی‌ثباتی سیاسی: هنگامی که دولت یا شرکت دولتی، طرف قرارداد است این مسئله اهمیت می‌یابد که آیا با تغییر ساختار

و مجموعه دولت، تعهدات دولت به قوت خود باقی خواهد بود یا خیر؟ [۱۶] به دیگر سخن، با تغییر دولت و اعضای هیأت دولت ممکن است تغییراتی مثلاً در بودجه نسبت به میزان و نحوه مشارکت بخش خصوصی داخلی و خارجی در پروژه‌های زیربنایی به وجود آید یا ممکن است اوضاع سیاسی به سمت و سوی سوق داده شود که مشارکت خارجی در توسعه پروژه‌های زیربنایی نامطلوب تلقی شود. این موضوع به‌ویژه در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا دوره ساخت و بهره‌برداری پروژه در قراردادهای BOT حداقل ۳۰-۲۰ سال طول می‌کشد و در این مدت ممکن است دولت، ساختار و ترکیب آن چند بار تغییر کند و با هر تغییر این پرسش مطرح می‌شود که آیا مسئولیت‌ها و تعهدات پذیرفته شده مندرج در قرارداد پروژه توسط دولت قبلی از بین می‌رود یا به قوت خود باقی است؟ [۱۶]

خطرات فوق به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بیشتر از سایر پروژه‌ها بر روی پروژه BOT و BOO تاثیر دارد. به عنوان نمونه، پروژه هیدروالکتریک در آسیای جنوب شرقی به خاطر عدم توافق بین دولت‌های دخیل و عدم قطعیت در مورد تمایل دولت اعطاکنده‌ی پروژه به همکاری با بانک جهانی به عنوان یکی از وام‌دهندگان اولیه به تعویق افتاد [۱۶].

۵- اختیار قانونی: اولین پرسشی که باید هنگام مشارکت

دولت در پروژه BOT که به تعبیری نوعی مشارکت بخش عمومی و خصوصی است، مطرح شود، این است که آیا طرف دولتی یا شرکت دولتی و نماینده دولت از لحاظ قانونی و اداری حق ورود به تعهدات گنجانده شده در پروژه BOT و قبول تعهدات مندرج در آن را دارد یا خیر؟

غالباً پروژه‌های مهم زیربنایی نیازمند اجازه دولت یا نماینده دولتی بوده یا در مواردی نیاز به تفویض اختیار به کسانی دارد که به عنوان نماینده دولت مربوطه، قرارداد BOT را امضا می‌کنند و باید قبل از شروع ساخت پروژه، تفویض اختیار لازم صورت گیرد. پس باید احراز شود که اولاً دولت اختیار قانونی در انعقاد قرارداد BOT و اعطای پروژه BOT به شرکت پروژه را دارد، ثانیاً تفویض اختیارات لازم در این خصوص صورت گرفته است یا خیر؟ [۱۶] به طور مثال، در مجلس هفتم پس از انعقاد قرارداد

اپراتوری همراه دوم با شرکت ترکسل ترکیه، طرح الزام دولت به اخذ مجوز از مجلس در قراردادهای خارجی مطرح گردید و موجب اعتراضاتی نسبت به این طرح شد. طراحان، طرح خود را به الزام دولت به اخذ مجوز در قراردادهای تاو و ایرانسل (که سهامدار عمده آن ترکسل بود) تغییر دادند و علی‌رغم اینکه، دولت وقت معتقد بود بنا به مجوز قانون برنامه سوم توسعه، اقدام به انعقاد این قراردادها کرده و اخذ مجوز جدیدی لازم نیست ولی مجلس وقت نپذیرفت و با تغییراتی که مجلس در میزان سهام شرکت ترکسل و مدیریت آن در ایرانسل ایجاد کرد نهایتاً ترکسل از پروژه انصراف داد و شرکت ام تی ان آفریقای جنوبی [۳۵] جایگزین آن شد.

۶- مصونیت دولت میزبان در دادگاه‌های خارجی: در پروژه‌های BOT که دولت میزبان یکی از اطراف اصلی قرارداد است ممکن است در خصوص اجرای قرارداد و مسائل مرتبط با آن بین اطراف قرارداد اختلافاتی حاصل شود. با توجه به این که دولت‌ها در دادگاه‌های ملی از مصونیت برخوردارند، خطر محکومیت در دعوا متوجه سرمایه‌گذار خارجی می‌گردد. بنابراین، خطر مصونیت دولت در برابر دادگاه‌های خارجی امکان مراجعه سرمایه‌گذار خارجی به دادگاه ملی و طرح دعوا در خصوص قرارداد را با مشکل مواجه می‌سازد. مصونیت دولت‌ها در برابر دادگاه‌های خارجی به دو شکل مصونیت در صلاحیت و مصونیت در اجرای احکام خارجی است [۱۶]. البته امروزه سرمایه‌گذاران خارجی با توسل به داوری و گنجاندن شرط داوری در قراردادهای تجاری خود با کشور میزبان، سعی در کاهش یا حذف این خطر را دارند و در این زمینه نیز موفقیت‌های بسیاری به دست آمده است.

۷- ابطال امتیاز بهره‌برداری: در مواردی ممکن است که دولت اعطاکننده امتیاز بهره‌برداری، به دلایل مختلفی از جمله درجهت رعایت مصالح و منافع عمومی قرارداد پروژه را فسخ و امتیاز بهره‌برداری را نیز ابطال نماید که این خطر نیز پروژه و شرکت پروژه را تهدید می‌نماید.

۸- خطر اطمینان و اعتبار نهادهای دولتی: تعدد اطراف درگیر در پروژه BOT یکی از ویژگی‌های پروژه است که ممکن است یک شرکت دولتی یا یک نهاد عمومی در پروژه BOT با کنسرسیوم پروژه

مشارکت داشته باشد [۳۶] یا دولت یا شرکت دولتی قسمتی یا تمام سرمایه لازم را به صورت وام در اختیار شرکت پروژه قرار دهد باشد یا در پروژه‌هایی همچون احداث نیروگاه برق و آب، دولت یا شرکت اصلی، خریدار انحصاری محصول و خدمات تولیدی باشد و... که موفقیت پروژه BOT به الزام و اعتبار نهادهای دولتی بستگی دارد. البته باید میان توانایی انجام تعهدات و اطمینان به انجام تعهدات و تضمین آن باید تفاوت گذارد و شرکت پروژه و سرمایه‌گذاران باید مطمئن شوند که کلیه اطراف پروژه به تعهدات خود عمل خواهند کرد. انجام تعهدات توسط شرکت‌کنندگان در پروژه جهت تداوم تأمین مالی پروژه برای وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران تضمینی تلقی می‌شود. البته اطمینان و اعتبار نهادهای دولتی را به سختی می‌توان مورد ارزیابی قرار داد [۲۹].

در مواردی که شرکت پروژه یا وام‌دهندگان از اعتبار شرکت‌کنندگان در پروژه مطمئن نیستند برای افزایش اعتبار طرف، روش‌های مختلفی در اختیار وام‌دهندگان قرار دارد که از جمله می‌توان به اخذ تضمینات و وثائق لازم در این خصوص اشاره کرد. به طور مثال چون در مواردی خریدار محصول، دولت اعطاکننده پروژه یا اشخاص داخلی بوده، خطر و ریسک اعتبار مربوط به پرداخت قیمت محصول و خدمات پروژه مهمترین خطر و ریسک اعتبار شرکت‌کنندگان در پروژه است. اگر خطر اعتبار دولت یا شرکت دولتی و یا خریدار محصول و خدمات تأثیر بدی بر پروژه داشته باشد، شرکت پروژه و وام‌دهندگان می‌توانند از دولت میزبان یا طرف ثالث تقاضای تضمین بنمایند.

۳-۲. خطرات اقتصادی

ریسک‌های اقتصادی منعکس‌کننده‌ی محیط کلی اقتصادی هستند که در آن شرکت پروژه به فعالیت و اجرای پروژه می‌پردازد [۳۰]. به عبارت دیگر، خطر مرتبط با شرایط بازار را خطرات اقتصادی گویند؛ مانند کاهش قیمت‌ها یا کاهش سطح و افزایش هزینه‌ها [۳۷]. این گونه خطرات با تبدیل‌پذیری درآمد حاصل از پروژه به ارزهای خارجی، نوسانات بهره و تورم و... مرتبط است [۶]. افزون بر خطرات پیش گفته به خطرات تغییر نرخ مالیات، محدودیت در انتقال سرمایه به

خارج، محدودیت صادرات و واردات، افزایش نرخ ارز نیز می‌توان اشاره کرد. البته لازم به گفتن است که برخی پس از بررسی نظرات، ریسک‌های اقتصادی را به شرح ذیل تقسیم کرده‌اند: نوسان نرخ ارز، کاهش قیمت پول، نرخ تورم، تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت، عوارض و حقوق گمرکی، نرخ بهره، تغییر قوانین و مقررات، عدم امکان قبول آزاد ارز، عدم امکان انتقال ارز، توجیه‌ناپذیر بودن نرخ تبدیل ارز خارج و روال نامناسب تغییر یا تعیین تعرفه‌ها [۳۸].

۱. افزایش نرخ ارز و تبدیل‌پذیری آن: ریسک نرخ مبادله ارز یعنی وجود امکان تغییر در نرخ‌های مبادله ارز خارجی که باعث تغییر در ارزش نرخ مبادله گردش نقدی حاصل از پروژه می‌شود. قیمت‌ها و پرداخت‌هایی که مشتریان یا استفاده‌کنندگان از خدمات پروژه می‌پردازند معمولاً به صورت واحد پول محلی است حال آن که تسهیلات وام و بعضاً هزینه‌های ساخت و تجهیزات ممکن است به صورت ارز خارجی باشد [۱۷].

انجام مراحل اجرایی پروژه و احداث آن مستلزم فعالیت‌های متعددی از جمله تهیه تجهیزات و قطعات یدکی مورد نیاز پروژه است که گاه این قطعات و تجهیزات باید از خارج از کشور خریداری گردد و خرید تجهیزات از خارج از کشور نیاز به تبدیل ارز داخلی به ارز خارجی دارد. زیرا درآمدهای حاصله از پروژه به ارز داخلی کشور میزبان پرداخت می‌گردد که جهت انتقال به خارج از کشور سرمایه‌پذیر باید به ارز قابل انتقال تبدیل گردد [۶] حتی گاه حسب مورد لازم است درآمد پروژه که به صورت ارز واحد داخلی است به چند ارز خارجی مانند دلار، فرانک، پوند و غیره تبدیل گردد. پس در صورتی که خرید تجهیزات از خارج از کشور با سهولت میسر نگردد اجرای پروژه و تکمیل آن و بهره‌برداری از پروژه و بالاخره، در فروش محصولات و خدمات و کسب درآمد جهت پرداخت وام‌ها و جبران سرمایه و سود آن وقفه‌ای ایجاد می‌گردد.

بالاخره، شرکای پروژه ممکن است درآمدشان از پروژه در قالب یک ارز یا بیشتر باشد اما هزینه‌ها در قالب سایر ارزها پرداخت گردد. به طور مثال، در پروژه BOT لاٹوس، خریدار محصول در تایلند مستقر بود، در حالی که پیمانکار ساخت و اپراتور از اروپا بودند و سهامداران و سرمایه‌گذاران نیز از

کشورهای مختلف در حال توسعه و توسعه یافته بودند. این گونه تنوع در شرکا باعث ایجاد رابطه‌های پیچیده مبادله ارزی می‌گردد و جابجایی و مبادله ارزها می‌تواند پروژه را در مقابل تغییرات در نرخ ارز آسیب‌پذیر نموده یا سود سهامداران را تحت تأثیر قرارداده و در نتیجه، چنین تغییراتی می‌تواند جریان درآمد را تغییر و تحت الشعاع قرار دهد [۱۶].

۲. خطر انتقال سرمایه به خارج: سرمایه‌گذار خصوصی خارجی در صورتی حاضر به سرمایه‌گذاری در کشور دیگر و ورود سرمایه به آن کشور می‌گردد که مطمئن باشد پس از اجرا، تکمیل و بهره‌برداری از پروژه و طرح اقتصادی موردنظر، سرمایه و سود سرمایه‌گذاری پس از جبران و استهلاک، قابل انتقال به موطن اصلی سرمایه‌گذار باشد و از جمله خطراتی که پروژه و شرکت پروژه (سرمایه‌گذار) را به‌ویژه در صورتی که سرمایه‌گذار خارجی بوده تهدید می‌نماید عدم امکان انتقال سرمایه به خارج از کشور سرمایه‌پذیر می‌باشد. در واقع کشورهای میزبان با استناد به مقررات ارزی میزان سرمایه و ارز مشخصی را اجازه خروج می‌دهند و در این صورت سرمایه‌گذار دچار محدودیت می‌گردد.

۳. محدودیت الزام به صادرات کالای تولیدی: معمولاً در مراحل احداث و ساخت پروژه، شرکت پروژه نیاز به واردات کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات و لوازم مورد نیاز دارد و از طرفی از آنجا که در پروژه‌های BOT، سرمایه و سود آن باید در دوره بهره‌برداری از محل طرح اقتصادی و پروژه موردنظر مستهلک و جبران شود، ممکن است لازم باشد محصولات و کالاهای پروژه، جهت کسب درآمد به خارج صادر گردد، هرگونه محدودیت در واردات کالاهای سرمایه‌ای و تجهیزات و صدور کالاها و محصولات پروژه به خارج، حسب مورد می‌تواند منجر به وقفه در مراحل اجرایی و احداث پروژه و بهره‌برداری از پروژه و عدم کسب درآمد موردنظر و جبران سرمایه و سود آن گردد. این محدودیت در برخی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری به هدف پیوستن به چرخه صادرات توسط کشور میزبان در نظر گرفته می‌شود تا کشور میزبان هم از مزایای سرمایه‌گذاری خارجی منتفع شود [۳۴].

۴. تورم و افزایش نرخ بهره: قراردادهای پروژه با قیمت

ثابت در نظر گرفته می‌شود ولی تورم بر هزینه‌های پروژه تأثیر گذاشته و موجب افزایش آن می‌گردد. بدین ترتیب، افزایش هزینه پروژه موجب طرح موضوعاتی از جمله اینکه افزایش هزینه ناشی از تورم را چه اشخاصی از شرکت کنندگان در پروژه متقبل می‌شوند به دنبال دارد [۱۶]. افزایش نرخ بهره نیز از جمله ریسک‌هاست که می‌تواند بر پروژه تأثیر نامطلوب بگذارد؛ زیرا معمولاً پروژه‌های BOT توسط بانک‌ها و موسسات اعتباری و بعضاً بانک‌های داخلی تأمین مالی شده و بعضاً پرداخت وام‌ها تمدید می‌گردد که افزایش نرخ بهره می‌تواند تأثیر منفی بر پروژه بگذارد [۱۷].

۳-۳. ریسک‌های حقوقی

ریسک‌های حقوقی به مشکلات احتمالی ناشی از ترتیبات قراردادی و چارچوب حقوقی که پروژه در آن انجام می‌گیرد، می‌پردازد. حضور طرف‌های متعدد و قراردادهای گوناگون بین این طرف‌ها پیچیدگی‌های فراوانی را به همراه دارد و هر نوع ابهام در قوانین و ضمانت اجراها باعث می‌گردد، پروژه با بن بست مواجه شود [۱۲]. طرح‌های BOT به شرایط قراردادی و چارچوب حقوقی که از شرایط مالی پروژه حمایت می‌کند، متکی هستند. تغییر قوانین از جمله خطرات حقوقی است که متوجه سرمایه‌گذاران و تأمین کنندگان مالی می‌گردد به عنوان نمونه پس از انعقاد قرارداد BOT و در جریان اجرای طرح، تغییر قوانین و مقررات محیط‌زیستی و یا مالی و مالیاتی بر کارایی طولانی مدت پروژه تأثیر منفی بگذارد. البته این خطرات بر حسب کشور و پروژه می‌تواند متغیر باشد [۶]. سه خطر قابل توجه حقوقی عبارت است از: خطر تغییر قانون (همانند: تغییر در سیاست‌های دولت در ارتباط با قوانین و مقررات در زمینه‌هایی مانند تورم، تبدیل ارز، نرخ‌ها و روشهای مالیات بندی یا تعیین قیمت محصول تولیدی مانند تعرفه برق [۲۹، ۳۹] خطر اجرای قانون (چنین خطری در قرارداد تاو و ایرانسلم مطرح و با انصراف شرکت ترکسل اجرای پروژه به سرمایه‌گذاران دیگری از جمله شرکت ام تی ان آفریقای جنوبی سپرده شد) و خطر ابهام در قوانین (مانند تفاسیر متعدد ارائه شده از اصل ۸۱ قانون اساسی).

نتیجه‌گیری و ملاحظات

پروژه‌های BOT (ساخت، بهره‌برداری و واگذاری) به دلیل تعدد اطراف قرارداد که عموماً از کشورهای مختلف بوده و همچنین تنوع قراردادها و مسائل مرتبط دیگر از جمله تأمین مالی پروژه از طریق اخذ وام از موسسات اعتباری و بانک‌های بین‌المللی و واردات مواد اولیه از کشورهای دیگر و مسائل مرتبط با ارز اعم از ورود سرمایه، انتقال و خروج سرمایه، پرداخت اقساط وام‌ها با ارز مورد نظر و... از پروژه‌های مخاطره‌آمیز تلقی می‌گردد. هر چند که نباید از مزایای قراردادهای BOT برای دولت میزبان و سرمایه‌پذیر، به‌ویژه انتقال خطرات پروژه به شرکت پروژه چشم پوشید. در عین حال شرکت پروژه نیز به راحتی حاضر به قبول خطرات نبوده و از طرفی قدرت کنترل تمام خطرات را ندارد و لازم است دولت سرمایه‌پذیر و دیگر شرکت کنندگان در پروژه نیز خطراتی را که قدرت کنترل و پذیرش دارند، متقبل شوند. به‌طور کلی خطرات پروژه به خطرات عام (سیاسی، اقتصادی و حقوقی) و خطرات مختص پروژه BOT (ساخت، بهره‌برداری، تأمین مالی، تهیه تجهیزات و مواد اولیه، بازار، مشتری و...) تقسیم می‌شود. شناسایی خطرات و ریسک‌ها لازمه مدیریت خطرات و کنترل آن است. مرحله کنترل خطرات، شامل اجتناب، کاهش، پذیرش و انتقال خطرات (به شرکت کنندگان متعدد در پروژه اعم از پیمانکاران، ساخت، اپرتورها، تهیه کنندگان مواد اولیه و تجهیزات، خریداران محصول و خدمات و... و یا بیمه خطرات) می‌گردد. در ایران، لازم است در شرایط کنونی به ریسک‌های عام سیاسی، اقتصادی و حقوقی بیشتر توجه شود و زمینه ریسک‌ها کاهش یابد. مدیریت و کنترل ریسک‌ها و توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل بالقوه در جذب سرمایه‌گذاری نیازمند مدیریت ریسک‌ها و نگرش کلان است.

پی‌نوشت

1. Build -Operate-Transfer (BOT)
۲. نصیرزاده، خانزادی و علی‌پور، ۱۳۹۴.
3. Grimsey; Lewis, 2002.
4. Kumaraswamy; Zhang, 2001.
5. Øien, Sklet & Nielsen, 1997.
6. UNIDO, 1996.
۷. طالقانی اصفهانی، ۱۳۸۵.

منابع

افشار، عباس و خزائنی، گرشاسب. (۱۳۸۴). «شناسایی ریسک‌های خاص، پروژه‌های BOT»، راه و ساختمان، سال سوم، شماره ۳۴.

انصاری، مهدی (۱۳۸۴). «بررسی کیفی فرآیند مدیریت ریسک در پروژه‌هایی با مطالعه موردی پروژه‌های سدسازی ایران»، رساله کارشناسی ارشد رشته مهندسی عمران، گرایش مهندسی و مدیریت ساخت دانشکده فنی دانشگاه تهران.

بابائی، علی‌اکبر؛ جواهر دشتی، فرانک و هاشمی سیمما (تیرماه ۱۳۷۶). «مدیریت ریسک، پیش‌بینی یا تقسیم خطر»، ماهنامه تدبیر. پوراسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۶). ضوابط سرمایه‌گذاری خارجی در سازمان تجارت جهانی، میزان: تهران

خزائنی، گرشاسب و احمدی، لوزا (۱۳۸۴). «مدیریت ریسک در پروژه‌های کلان با رویکرد BOT، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه»، تهران، ۱۴ و ۱۵ اسفندماه، https://www.civilica.com/Paper-IPMC02-IPMC02_042.html.

جبل عاملی، محمدسعید؛ حمیدرضا حداد و علی حاجی آقا بزرگی (۱۳۸۸). «ارایه مدلی جهت ارزیابی ریسک مالی پروژه‌های BOT براساس چرخه ریسک پروژه»، اولین کنفرانس مدیریت اجرایی، تهران، https://www.civilica.com/Paper-MBA01-MBA01_047.html.

جمالی داوود و نراقی، مهرداد (۱۳۸۸). «شناسایی ریسک‌های سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌ها به روش P.O.O (مطالعه موردی طرح‌های نیروگاه حرارتی ایران)»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، تهران، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، https://www.civilica.com/Paper-IRFINANCE02-IRFINANCE02_009.html.

حسن‌زاده علی و کاظمی، رسول (پاییز ۱۳۸۳). «مدیریت ریسک در پروژه‌های سرمایه‌گذاری زیربنایی»، فصلنامه صنعت بیمه، سال نوزدهم، شماره ۳ (مسلسل ۷۵).

خزائنی، گرشاسب؛ خانزادی، مصطفی؛ افشار، عباس. (۱۳۹۱). «مدل چند معیاره‌ی ارزیابی موفقیت ایده‌آل پروژه‌های BOT»، ساختار و کاربرد مدل. مهندسی عمران، دوره ۲-۲۸ (۲)، ۴۵-۵۵.

سیف، احمد (مهر و آبان ۱۳۸۳). «ریسک سیاسی و سرمایه‌گذاری خارجی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۶-۲۰۵، صفحه ۱۳۸-۱۴۱.

طالقانی اصفهانی، سیدعلی (۱۳۸۵). «اجرای پروژه‌های راهسازی به

11. UN/ECE, 2000.

۱۲. خزائنی و افشار، ۱۳۸۴.

13. Chapman, 1991.

14. Eirikson, 1969.

15. Zayed & Chang, 2002.

16. Delmon, 2000.

17. UNCITRAL, 2001.

۱۸. جبلی عاملی، حداد و حاجی آقا بزرگی، ۱۳۸۸.

19. Chapman, 1991.

20. Lam and Chow, 1999.

21. Tiong, Yeo & McCarthy, 1992.

22. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

23. Woody and Pourian, 1992.

24. UNCITRAL 1996.

25. EIC, 2003.

26. Askar & Gab-Allah, 2002.

27. Tiong & Wang

۲۸. تعداد و اشکال قراردادهای BOT تا حدود ۲۲ مورد ذکر شده است و وجه مشترک تمام اشکال این است که همگی وسیله تأمین مالی پروژه به وسیله بخش خصوصی (اعم از داخل یا خارجی) یا مشارکت بخش عمومی و خصوصی می‌باشند.

29. Wang, Tiong, Ting & Ashely, 2000.

۳۰. حسن‌زاده و کاظمی، ۱۳۸۴.

۳۱. سیف، ۱۳۸۳.

۳۲. میرعباسی، ۱۳۷۱.

۳۳. عابد خراسانی، ۱۳۷۹.

۳۴. پوراسماعیلی، ۱۳۹۶.

35. Multinational Mobile Telecommunications Company (MTN)

۳۶. به عنوان نمونه، در پروژه آبرسانی از میر ترکیه، شهرداری از میر به عنوان یکی از شرکاء به میزان ۲۰٪ با شرکت‌های ژاپنی و غیره مشارکت نمود.

۳۷. جمالی و نراقی، ۱۳۸۸.

نبوی چشمی علی، علی اکبر عزیز پوررشیدی و بهزاد قهرمانیان، ۱۳۹۱.

- Proceedings of ESREL ,Vol. 97, pp. 1809-16.
- Tiong, R. L., Yeo, K. T., & McCarthy, S. C. (1992). Critical success factors in winning BOT contracts. *Journal of Construction Engineering and Management*, 118(2), 217-228.
- Tiong, R. L. (1990). BOT projects: Risks and securities. *Construction Management and Economics*, 8(3), 315-328.
- UNCITRAL (United Nations Commission on International Trade Law). (19 April 1996). Possible Future Work: Build Operate Transfer Projects, New York.
- UNCITRAL (2001). *Legislative Guide on Privately Financed Infrastructure Projects*, New York.
- UNIDO. (1996). *Guidelines for Infrastructure Development Through Build – Operate Transfer (BOT) Projects*, Vienna.
- Walker, C. T., & Smith, A. J. (Eds.). (1995). *Privatized infrastructure: The build operate transfer approach*. London: Thomas Telford.
- Wang, S. Q., Tiong, R. L., Ting, S. K., & Ashley, D. (2000). Evaluation and Management of Political Risks in China's BOT Projects. *Journal of construction engineering and management*, 126(3), 242-250.
- Wang, S. Q., Tiong, R. L., Ting, S. K., & Ashley, D. (2000). Foreign exchange and revenue risks: analysis of key contract clauses in China's BOT project. *Construction Management & Economics*, 18(3), 311-320.
- Wang, S. Q., Tiong, R. L., Ting, S. K., & Ashley, D. (1999). Political risks: analysis of key contract clauses in China's BOT project. *Journal of construction engineering and management*, 125(3), 190-197.
- Wang, S. Q., Tiong, R. L., Ting, S. K., & Ashley, D. (1999). Risk management framework for BOT power projects in China. *The Journal of Structured Finance*, 4(4), 56-67.
- Woody, W. B., & Pourian, H. (1992). Risk assessment and options in project finance. *Project Management Institute, XXHI* (4).
- Zayed, T. M., & Chang, L. M. (2002). Prototype model for build-operate-transfer risk assessment. *Journal of Management in Engineering*, 18(1), 7-16.
- روش B.O.T با استفاده از مدیریت ریسک بهبود، رساله کارشناسی ارشد مهندسی عمران - مهندسی راه و ترابری، دانشکده مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت ایران.
- عابد خراسانی، محمودرضا(۱۳۷۹). سلب مالکیت از بیگانگان در حقوق بین الملل، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- میرعباسی، سیدباقر(آذرماه ۱۳۷۱). «ملی کردن در حقوق بین الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره بیست و هفتم نبوی چشمی، علی؛ عزیز پورشیدی، علی اکبر و قهرمانیان، بهزاد(۱۳۹۱). «مقایسه تطبیقی روش های تأمین مالی پروژه های صنعتی (نمونه موردی پروژه های نفت و گاز)»، هشتمین کنفرانس بین المللی مدیریت پروژه.
- نصیرزاد، فرناد؛ خانزادی، مصطفی؛ علی پور، مجید(۱۳۹۴). «ارزیابی اقتصادی پروژه های BOT با یکپارچه سازی روش های شبیه سازی پویایی سیستم و منطق فازی»، مهندسی سازه و ساخت، ۲(۴)، صفحه ۹۰-۱۰۳.
- Askar, M. M., & Gab-Allah, A. A. (2002). Problems facing parties involved in build, operate, and transport projects in Egypt. *Journal of Management in Engineering*, 18(4), 173-178.
- Chapman, C. B. (1991). *Risk in investment, procurement and performance in construction*. London: E & FN SPON.
- Delmon, J. (2000). *BOO/BOT projects: A commercial and contractual guide*. London: Sweet & Maxwell.
- Eirikson, A. (1969). *Risk Sharing in Construction Contracts*, Ph.D Thesis, University of Illinois.
- European International Contractors (April 2003). *EIC White Book on BOT/PPP*. Berlin: European International Contractors.
- Grimsey, D., & Lewis, M. K. (2002). Evaluating the risks of public private partnerships for infrastructure projects. *International Journal of Project Management*, 20(2), 107-118.
- Kumaraswamy, M. M., & Zhang, X. Q. (2001). Governmental role in BOT-led infrastructure development. *International Journal of Project Management*, 19(4), 195-205.
- Lam, K. C., & Chow, W. S. (1999). The significance of financial risks in BOT procurement. *Building Research & Information*, 27(2), 84-95.
- Øien, K., Sklet, S., & Nielsen, L. (1997). Risk level indicators for surveillance of changes in risk level. In